

چهارچوبی نظری برای ارزیابی ترجمه*

محمدعلی مختاری اردکانی

در این مقاله برآنیم تا روش پیشنهادی گارسس (Garces: ۱۹۹۴) برای ارزیابی ترجمه را به مثابه روشی عینی برای نقد ترجمه بخصوص ترجمه ادبی معرفی کنیم. در تبیین این روش مثالهایی از زبان فارسی و آرای از دیگر صاحب نظران بخصوص نیومارک نقل خواهیم کرد. گارسس برای مقایسه شباهتهای میان متن مبدأ و ترجمه چهار سطح پیشنهاد می‌کند که این سطوح به گفته او گاه با هم تداخل پیدا می‌کنند. این سطوح عبارتند از: سطح معنایی - لغوی؛ سطح نحوی - صرفی؛ سطح گفتمانی - نقشی و سطح سبکی - مقصود شناختی. اینک به ذکر اجزاء این سطوح و شرح و تعریف آنها می‌پردازیم.

۱- سطح معنایی - لغوی

الف- تعریف یا توضیح: تعریف، بیان معنی واژه است به صورت عبارت اسمی یا شبه جمله صفتی (نیومارک: ۱۹۸۱: ۳۱) توضیح، افزودن اطلاعاتی است که به دلیل اختلافات فرهنگی و زبانی و اختلاف در سطح دانش بین مخاطب متن اصلی و مخاطب ترجمه ضرورت پیدا می‌کند: (گارسس ۱۹۹۴: ۸۱-۸۰)

مثالی از تعریف: machete = چاقوی بلند و سنگین با تیغه پهن در آمریکای لاتین
مثالی از توضیح: on the edge of the western wilderness = در حاشیه بیابان غرب (غرب وحشی آمریکا)

ب- معادل فرهنگی: در این روش واژه فرهنگی زبان مبدأ جایگزین واژه‌ای می‌شود که نقش فرهنگی یا کارکردی مشابهی در زبان مقصد دارد، مثل A-level که معادل کارکردی آن در فارسی دیپلم است. همچنین واژه‌های فرهنگی "sejm" در لهستان، "دوما" در روسیه، "مجلس عوام" در انگلستان و "مجلس شورای اسلامی" در ایران همگی دارای نقش کارکردی مشابهی هستند. در روش فوق، از واژه زبان مبدأ معمولاً فرهنگ‌زدایی می‌شود. معادل کارکردی گاه چیزی بر واژه اصلی می‌افزاید (overtranslation) یا از آن می‌کاهد (undertranslation).

ج- همانندسازی (adaptation): این نیز روشی برای ترجمه اصطلاحات بنیادی فرهنگی است و

*-به دلیل رعایت اختصار، مقاله قدری کوتاه شده است. سر دبیر

آن هنگامی به کار می‌رود که مترجم مضمونی را با کلمه، اصطلاح یا استعاره خاصی که برای خواننده ترجمه آشناست ترجمه می‌کند. همانندسازی در واقع نوعی معادل‌سازی فرهنگی است که در (ب) بحث شد زیرا در برابر واژه فرهنگی معادلی قرار می‌دهیم که در موقعیت مشابه در زبان مقصد به کار می‌رود و واژه‌ای متداول است. مثال:

Faithfully yours با تقدیم احترام

See you later خداحافظ

د- بسط نحوی: این روش عبارت است از افزودن یک یا چند کلمه به ترجمه بر حسب ضرورت. مثل ترجمه جمله "جهت یابی اش خوب است" به انگلیسی: He has a good sense of direction که در اینجا کلمه sense به ترجمه اضافه شده است. معمولاً در ترجمه از انگلیسی از این شیوه استفاده می‌شود یعنی مفهومی که در انگلیسی به تلویح بیان شده در ترجمه تصریح می‌شود (گارسس ۱۹۹۴: ۸۱).

ه- قبض نحوی: عکس شیوه فوق است که نظریه پردازان ترجمه هر کدام آن را اصطلاحی داده‌اند، مثل multiple-to-one equivalent (نایدا) یا contraction (نیومارک) و آن به کار بردن یک واژه زبان مقصد است در برابر چند واژه زبان مبدأ مثل linguistique و linguistic science که در برابر دو کلمه فرانسه یک کلمه انگلیسی آمده است (نیومارک ۱۹۸۸: ۹۰).

و- کاربرد واژه خاص به جای واژه عام یا بالعکس: مثل ترجمه synecdoche که یک نوع مجاز (مرسل) است به معنی عام (metonymy) یا ترجمه spoiled child به "دردانه حسن کبایی"، این شیوه معمولاً در مورد اقلام بزرگتر از واژه به کار می‌رود اما در مورد واژه هم کاربرد دارد (گارسس ۱۹۹۴: ۸۱).

ز- ابهام: گاهی متن اصلی ابهام دارد. ابهام ممکن است عمدی باشد یا سهوی. اگر عمدی باشد باید آن را به زبان مقصد انتقال داد. اگر سهوی باشد باید آن را برطرف کرد (نیومارک ۱۹۸۸: ۷-۲۰۶). نیومارک هفت نوع ابهام برمی‌شمارد و برای هر کدام راه‌حلهایی ارائه می‌دهد (نیومارک ۱۹۸۸: ۲۰-۲۱۸).

۲- سطح نحوی - صرفی

الف- ترجمه تحت‌اللفظی: نیومارک ترجمه تحت‌اللفظی واژه به واژه، عبارت به عبارت همانند، ترکیب به ترکیب همانند، شبه جمله به شبه جمله، جمله به جمله، حتی استعاره به استعاره و ضرب‌المثل به ضرب‌المثل را ممکن و مطلوب می‌داند (نیومارک ۱۹۸۸: ۶۹) هر چند که معتقد است وقتی این شیوه

اولی متداول تر می باشد.

ب- ترجمه از طریق تغییر نحو: گاهی مترجم ناگزیر است اجزاء کلام را تغییر دهد. مثال:

۱- Anthropology believes that... = مردم شناسان معتقدند که (یا به زعم مردم شناسان)

۲- He was a repulsibly dirty man. = آدم تهوع آور کثیفی بود.

۳- According to my friend... = دوستم می گوید...

۴- He groped for his eye-glasses. = کورمال کورمال دنبال عینکش گشت.

اصولاً وقتی ترجمه از طریق تغییر نحو یا دستورگردانی (transposition) انجام می گیرد که (۱)

ساختار دستوری مشابه در زبان مقصد وجود نداشته باشد (۲) ترجمه تحت اللفظی امکان پذیر باشد اما

تبدیل قید + اسم مفعول به جمله‌واره وصفی:

This much-praised man = این آدمی که این همه از او تعریف می‌کردند

a good-hearted lady = تبدیل صفت + اسم + ed به اسم + صفت: خانمی خوش‌قلب

تبدیل صفت ملکی + اسم به حرف تعریف + اسم:

He had sustained his spites = کینه‌ها در دل پرورانده بود

تبدیل مصدر فعلی به فعل + اسم:

Working with you is a pleasure = کار با شما لذتبخش است

تبدیل مصدر فعلی به جمله‌واره قیدی:

Working with you is a pleasure = وقتی با شما کار می‌کنم لذتبخش است

تبدیل مصدر فعلی به اسم مصدر:

Working with you is a pleasure = کار کردن با شما لذتبخش است

(هر سه مثال از نیومارک ۱۹۸۸: ۸۵)

pleasure = لذتبخش

تبدیل فعل + اسم به فعل + صفت:

(در هر سه مثال آخر)

He did not delay = زود دست به کار شد

تبدیل فعل به قید:

تبدیل اسم + حرف اضافه + اسم به اسم + صفت:

a question of importance

زبان می‌باشد (نیومارک ۱۹۸۸: ۸۸). به این ترتیب این روش در مواردی کاربرد دارد که "زبان مقصد، ترجمه تحت‌اللفظی را بر نمی‌تابد" (همان‌جا) مواردی از تغییر دیدگاه را می‌توان در فرهنگ‌های دوزبانه یافت، مثل water-tower (منبع هوایی). این موارد در زبان مقصد تداول یافته و به واژگان معیار تبدیل شده‌اند. وینه و داربلنه و واژگه‌ایورا بیش از ده مورد تغییر دیدگاه را برمی‌شمارند. از جمله این موارد عبارت است از بیان اسم ذات به جای اسم معنی، بیان وسیله به جای نتیجه، بیان از طریق یک حس به جای حس دیگر، بیان معلوم به جای مجهول، بیان عبارت دو بار منفی به عبارت مثبت و برعکس. نیومارک معتقد است که اصولاً عبارت دویار منفی تأثیر عبارت مثبت را ندارد و فی‌الواقع تأثیر آن به لحن و زمینه وابسته است. وقتی خلأ واژگانی وجود داشته باشد، تغییر دیدگاه الزامی است. مثل: shallow = کم عمق. جایی که مترجم بین کاربرد یا عدم کاربرد این روش مختیر باشد باید صرفاً در مواردی بدان دست زند که در غیر این صورت ترجمه را غیرطبیعی می‌نماید. It will not seem unlikely that را می‌توان ترجمه کرد: "نامحتمل نیست که" یا "احتمال دارد که"، در صورتی که Let it be known that را طبیعی تر است که "پوشیده نماند که" ترجمه کنیم. به مثالهایی از تغییر دیدگاه توجه کنید:

بیان اسم معنی به جای اسم ذات: در هوای باز (آزاد) خوابیدن = to sleep in the open
 بیان اسم ذات به جای اسم معنی: اگر جای تو بودم = If I were in your shoes
 بیان معلول به جای علت: مدتی است شما را ندیده‌ام = You are quite a stranger
 (یعنی به علت ندیدن بیگانه شده‌ای. آن را با اصطلاح "پارسال دوست امسال آشنا" هم می‌توان ترجمه کرد)

بیان یک جزء به جای جزء دیگر:

کتاب را صفحه به صفحه خواند = He read the book from cover to cover
 بیان نتیجه به جای وسیله: رفتم سلمانی = I had my hair cut
 بیان وسیله به جای نتیجه:
 خوش‌دوخت‌ترین کت و شلوارها را می‌پوشد = His suits come from the best scissors
 بیان مکان به جای زمان:

Here, we digress to define the term

اکنون به صورت معترضه به تعریف اصطلاح می‌پردازیم.

بیان زمان به جای مکان:

Now, it does not concern us = در اینجا، متعزّض این موضوع نمی‌شویم

بیان حسی جای حسی دیگر:

We shall hear much more about it in a later chapter

در فصل دیگری، بحث مبسوطی راجع به آن خواهیم کرد

بیان با ترتیبی دیگر:

این کار بیخ گوشش اتفاق افتاد = It took place under his very nose

نظم و قانون = Law and order

بیمه بیماری = health insurance

نو و کهنه = old and new

بیان مجهول به جای معلوم: آنها را آزمایش کردند = They were examined

شیوه اخیر تحت ب هم آمده بود. البته موارد دیگری از تغییر دیدگاه وجود دارد، مثل علائق گوناگون مجاز- کل به جزء، جزء به کل، حال به محل، ظرف به مظرّف، خصوص به عموم، عموم به خصوص، مسبّب به سبب، کان و مایکون، لازم و ملزوم و... که برای پرهیز از درازگویی از ذکر آنها در می‌گذریم.

د- جبران (Compensation): جبران وقتی صورت می‌گیرد که معنی، تأثیر آوایی، استعاره یا مقصود گوینده که در بخشی از جمله از دست رفته، در بخش دیگر جمله یا در جمله بعد به طریقی دیگر بیان یا جبران می‌شود (نیومارک ۹۰:۱۹۸۸).

ه- توضیح یا بسط معنی: بنابراین روش قسمتی از متن که باید در ترجمه تصریح شود توضیح یا بسط معنایی می‌یابد. بسط معنایی بخصوص در ترجمه لغاتی که خاص یک فرهنگ هستند روشی متداول بحساب می‌آید. وقتی در فرهنگی برحسب ضرورت به موضوعی خاص توجه پیدا می‌شود "وفور واژگان" پیدا می‌شود. مثلاً انگلیسی‌ها لغات زیادی در مورد چوگان دارند، فرانسوی‌ها دربارهٔ مشروب و پنیر، آلمانیها در مورد سوسیس، اسپانیایی‌ها راجع به گاو یازی، عربها در خصوص شتر، اسکیموها در مورد برف و... (نیومارک ۹۴:۱۹۸۸). در ترجمه این لغات به زبانهایی که فاقد این لغات هستند بسط معنایی ضرورت پیدا می‌کند. گاهی بسط با افزودن نام مشخص کننده نوع صورت می‌گیرد. مثل camembert، پنیر کمانبر.

و- تلویح، تقلیل، حذف (implication, reduction, omission): این روش عکس روش فوق است. در اینجا عناصری که در متن اصلی تصریح شده‌اند در ترجمه به تلویح بیان می‌شوند یا تقلیل می‌یابند یا به طور کلی حذف می‌شوند (گارسس ۱۹۹۴:۱۴۹). نیومارک می‌نویسد مترجم باید در قبال هر کلمه‌ای که از متن اصلی حذف می‌کند پاسخگو باشد (نیومارک ۱۹۸۱:۱۴۹) اما می‌تواند در ترجمه متون غیر رسمی، و متونی که هدفش اطلاع‌رسانی است و یا متون کم‌مایه، حشوئیات را حذف کند یا تقلیل دهد.

ز- تغییر در نوع جمله: گاهی به ضرورت یا به اشتباه نوع جمله عوض می‌شود مثلاً جمله ساده به مختلط یا مرکب یا بالعکس ترجمه می‌شود یا گاهی وجه (mood) جمله عوض می‌شود. در مورد ضرورت تبدیل جمله مختلط به مرکب یا ساده و بالعکس قبلاً صحبت کردیم. در خصوص تغییر وجه کلمه دو مثال در اینجا می‌آوریم: Do that and I'll... (اگر این کار را بکنی من...) که وجه امری به

وجه التزامی بدل شده است یا All papers will be on my desk tomorrow. (تمام مقالات فردا باید روی میز من باشد) که در اینجا وجه اخباری کار وجه امری را می‌کند (نایدا)

۳- سطح گفتمانی - کارکردی

الف - حذف مقصود نویسنده: گاه ممکن است در ترجمه چنان تغییری حاصل شود که مقصود نویسنده تغییر کند، مثلاً متنی طنزآمیز به متنی سرگرم کننده تبدیل شود، مثل سفرهای گالیور که در اصل به قصد به مسخره گرفتن نظام سیاسی انگلستان نوشته شده است، در برخی ترجمه‌ها به صورت قصه‌ای برای کودکان درآمده است. از جمله مواردی که مقصود نویسنده را تغییر می‌دهد، تغییر کار گفت‌های (speech at) متن اصلی است. تشخیص کارگفت‌ها در درون یک زبان کاری مشکل است چه برسد به بین زبانها. مثلاً چنین جمله‌ای را بارها از زبان دیگران شنیده‌ایم. این حرفی که می‌زنی تهدید است یا قول؟ کارگفت‌های غیرمستقیمی داریم که تشخیص آنها از این هم مشکل تر است. مثلاً در مورد وارونه گویی (irony) مقصود ما عکس آنچیزی است که می‌گوییم. مثال: "چه به موقع آمدید" که منظور این است که "آن قدر دیر کرده‌اید که کار از کار گذشته است" یا در سؤالات غیرمستقیم مثل: Can you tell me the time?

What time is it?

که مساویست با

(بل ۱۹۹۱: ۸۳-۱۷۲)

ب - حذف حواشی: عبارتست از حذف پانوشته‌ها، پیشگفتار، ضمائم، مقدمه، مؤخره، توضیحات، کتاب‌شناسی، استدراکات، فهرست، اعلام و... که در ترجمه از زبانهای دیگر به فارسی بسیار رایج است.

ج - تغییر به علت اختلافات اجتماعی - فرهنگی: نیومارک دوازده روش را بر حسب مورد برای ترجمه موارد مختلف فرهنگی پیشنهاد می‌کند. برخی از مهمترین این روش‌ها عبارتند از:

۱- انتقال واژه فرهنگی به ترجمه

۲- استفاده از معادل فرهنگی

۳- زدودن بار فرهنگی واژه، یعنی استفاده از معادلی توصیفی

۴- ترجمه تحت‌اللفظی

۵- بومی کردن واژه فرهنگی

۶- حذف

۷- استفاده از واژه‌ها، بذرفته شده و معادل

گ (grammar) : (love) : (sing) : (read)

و- بسط دادن در برابر ساده کردن: این روش "آخرین چاره مترجم است". (گارسس ۱۹۹۴: ۸۳). توری به این روش "نقل به معنی" یا paraphrase می‌گوید و خاطر نشان می‌کند که همیشه مرز میان این روش (که شامل بسط قابل ملاحظه متن اصلی می‌شود) و افزایش به طور کلی مشخص نیست.

۵- تغییر در کاربرد صنایع بدیعی با توجه خاص به استعاره: مترجم باید تشخیص دهد که چه تعداد استعاره را نگاه دارد چه تعداد را حذف نماید و چه تعداد را تغییر دهد. برای بحثی مبسوط ترجوع کنید به مقاله‌ای به همین قلم تحت عنوان "ترجمه استعاره".

روش‌های فوق را می‌توان از دیدگاه دیگر به سه گروه عمده تقسیم کرد: افزایش، حفظ، تصرف. در حیطه افزایش، تکنیک‌هایی که به بسط اطلاعات داده شده در متن مبدأ می‌پردازند عبارتند از: تعریف، بسط، دستورگردانی، تغییر دیدگاه، توضیح، تغییرات ناشی از اختلافات اجتماعی- فرهنگی، تغییر در ساخت درونی متن مبدأ، بسط خلاقه و تفصیل. تکنیک‌هایی که در حوزه حفظ اطلاعات می‌گنجد عبارتند از: معادل فرهنگی، همانندسازی، ابهام، ترجمه قرضی، ترجمه تحت‌اللفظی، جبران، تغییر نوع جمله، نارسایی در معادل، تغییر لحن، حفظ اسامی خاص و ساختارهای خاص متن مبدأ. تکنیک‌هایی که تصرف را در بر می‌گیرند عبارتند از کاهش، حذف، تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای، حذف قسمتی از متن یا پاراگراف، اشتباه یا ساده‌انگاری مترجم (گارسس ۱۹۴۴: ۸۵).

ما در این گفتار با ذکر مثال‌های متعدد روش پیشنهادی گارسس برای ارزیابی ترجمه ادبی را تشریح کردیم. این روش‌شناسی، الگوی جدید و جامع‌الطرفی که بدان Polysystemic می‌گویند، برای ارزیابی ترجمه ادبی از دیدگاه علمی و ادبی به دست می‌دهد تا ناقد ترجمه، گزینه‌های مترجم اعم از تنگناها و آزادیها را بشناسد و از اظهار نظرهای خام، غیرمستدل و غیرمنطقی پرهیز کند.

REFERENCES:

- Bassnett McGuire, Susan, 1991. *Translation Studies*. London: Routledge.
- Garces, Carmen Valero, 1994. "A methodological proposal for the assesment of translated literary works" in *Babel* 40: 277-120
- Norwood, P. 1991. *Approaches to Translation*. England: Prentice Hall International (UK), 1999